

خلیج فارس در طول تاریخ

بحر فارس در نقشه جهان احمدبن حمدان
بن شیب الحمرانی (حدود ۷۳۲ هـ ق)
اصل نقشه در کتاب هرزوک - گوتا

نشان



دکتر پیروز مجتهدزاده

دکتر پیروز مجتهدزاده فعالیت‌های تحقیقاتی
خود را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرد و نخستین
کارهای علمی او در زمینه تاریخ و جغرافیه
ایران و خلیج فارس از انتشارات عطایی
است. کتاب ایشان درباره خلیج فارس است.
دکتر مجتهدزاده نیز درباره مسأله
ایران و خلیج فارس در سال ۱۳۴۲ در روزنامه
«تاریخ» شماره اولین کتاب ایشان به زبان
فارسی در تهران منتشر شد. کتاب «تاریخ و جغرافیه
ایران» نیز از آثار وی است. دکتر مجتهدزاده در
موضوع سیره و تاریخ ایران و زبان فارسی و هشت
کتاب به زبان فارسی تألیف کرده است و در
ال، حاضر است. در دانشگاه تربیت مدرس و
همچنین در دانشگاه تهران به تدریس اشتغال
دارد. وی نخستین سخنران مجموعه

سخنرانی‌های انجام شده در سائن خلیج فارس در ایام برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در اردیبهشت ماه سال جاری بود. ایشان در سخنرانی خود اظهار داشتند:

مسئله خلیج فارس نیز امروزه به مجموعه مسائل روزمره‌ای که با آن‌ها سروکار داریم تبدیل شده است. در واقع این مسئله نیز به صورت زنجیروار به مسائلی نظیر مذاکرات انرژی هسته‌ای گره خورده است و به همین ترتیب به مسائلی مانند تلاش برای شورش در خوزستان و در واقع ایجاد فشار علیه ایران ارتباط دارد.

اگر فردی تصور کند که مسئله خلیج فارس، تنها به یک شیخ‌نشین ارتباط پیدا می‌کند، در اشتباه است بنابراین، نمی‌توان قضیه را ساده دید. در عین حال بر این نکته تأکید دارم که حقیقتاً درخت ایران امروز ریشه در آب‌های خلیج فارس دارد و خلیج فارس همه چیز ایران بوده و خواهد بود، چنان‌که بسیاری از متخصصان ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک به این مسئله توجه دارند و در عین حال، برخی نیز مذبحخانه در تلاش برای جدایی جزایر ایرانی خلیج فارس هستند. البته این تلاش مذبحخانه در کلیت در پی تجزیه کُل کشورمان ایران است.

من در طول چهل سال تحقیق و بررسی در خصوص خلیج فارس به مطالب و حقایق رسیده‌ام که به نظرم بسیار پراهمیت هستند و اولین بخش مطالعات من در ارتباط با نام خلیج فارس است.

ما در حال حاضر با توطئه تغییر نام خلیج فارس به صورت جدی مواجه هستیم. از سوی دیگر، آنچه اطلاعات علمی و تاریخی به ما می‌گویند این است که نام

خلیج فارس را یونانیان ساخته‌اند و دیگر تمدن‌ها این نام را ادامه دادند، اما تحقیقات من خلاف این مطلب را ثابت می‌کند زیرا نام خلیج فارس قبل از یونانی‌ها هم مطرح بوده است. از سوی دیگر وقتی یونانی‌ها درباره خلیج فارس صحبت به میان آوردند هم‌زمان ایرانی‌ها صحبت از دریای پارس به میان می‌آوردند چنان‌که داریوش هخامنشی در مکتوبی می‌گوید من از دریای پارس آمدم و کانال پارس را احداث کردم و الان با احداث این کانال دریایی که از پارس می‌آید را به این جا متصل می‌کنم. به این ترتیب، می‌توان دریافت که مطالعات زیادی درباره دریای پارس وجود دارد و این مطالعات بر این نکته تأکید دارند که هخامنشیان تصاویر روشنی از خلیج فارس ارائه کردند. یونانیان نیز آثار گسترده‌ای درباره خلیج فارس دارند. متأسفانه بسیاری آثار و نوشته‌های ایران قبل از اسلام از بین رفته‌اند و آنچه ما از تمدن باستان ایران می‌شناسیم

بیش‌تر از یونانیان، اعراب و یهودیان به ما رسیده است. نگرش هخامنشیان به تصویر جهان بر اساس تصویر جهانی دایره‌مانند بود که آب‌های یک اقیانوس آن را به صورت دایره در برگرفته بود که به گفته عرب‌ها همان بحر محیط بود. این دریای دایره‌مانند از طریق دو دریای دیگر به داخل خشکی‌های جهان پیشرفت کرده بودند. این دو دریا دریای پارس یا همان خلیج فارس و دریای غرب یا همان مدیترانه نام داشتند. منظور از دریای پارس همه آب‌های شرق جهان که از دریای سرخ تا چین را در برمی‌گرفت و منظور از دریای غرب که همان مدیترانه بود و سرزمین‌های غربی را در برمی‌گرفت. در راستای همین مسئله است که داریوش بزرگ راه می‌افتد و در جهت ایجاد ارتباط بین تمدن‌ها گام برمی‌دارد.

داریوش بزرگ جاده شاهنشاهی را از شوش تا سارد احداث کرد. تحقیقات امروزه غربی‌ها نشان می‌دهد که بیش‌تر جاده‌هایی که رومی‌ها ساختند اغلب این جاده‌ها را اگر بشکافیم در زیر آن‌ها به سنگ فرش‌هایی برمی‌خوریم که ایرانی هستند. این جاده‌ها تا سارد و دریای اژه ادامه پیدا می‌کنند. به دنبال همین جریان ارتباط شرق و غرب است که داریوش‌شاه ترعه سوئز را حفر می‌کند و این کانال دریای پارس آن روز را به دریای غرب ارتباط می‌دهد. هدف داریوش آمیزش در تمدن شرق و غرب از طریق ترعه سوئز بود. این آمیزش ادامه پیدا می‌کند. ما وقتی به دوره اسکندر کبیر که شاگرد ارسطو بود می‌رسیم متوجه می‌شویم که اسکندر به دستور ارسطو به ایران آمد تا ببیند در ایران چه خبر است. حتی زمانی که اسکندر داریوش سوم را کشت، از این عمل خود پشیمان شد زیرا اشراف ایران با اسکندر قهر کردند و با او همکاری نمی‌کردند. اسکندر در عین حال می‌گفت «اگر داریوش

روزنامه «السیاسه» چاپ کویت دو سال پیش نوشته بود که «این حماقت ما بوده که نام خلیج عربی، روابط متحدانه ایران و اعراب را به هم ریخت و این در حالی است که دانشمندان واقعی عرب زیر بار این توطئه نرفتند و بعد از سقوط رژیم بعثی صدام امیدواریم این توطئه در قبر خودش دفن شود.»

نیست من هستم و من به دنبال جهانی کردن پارس هستم.» اسکندر کتاب‌های ایرانی را نسوزاند بلکه تلاش کرد تمدن ایرانی را در یونان پایه‌گذاری کند. این امر نتیجه تمدنی بود که امروز می‌بینیم که ایالات متحده صاحبان این تمدن‌ها را زیر سؤال می‌برد.

تصویر جغرافیایی آب‌های جهان بسیار جالب است و چیزهایی که جدید کشف شده مطالب جدیدی را به ما می‌دهد. ما که بحث دریای پارس را مورد توجه قرار دادیم و تصویری که یونانی‌ها از کره زمین ارائه کردند، دایره‌ای شبیه به مستطیل بود که در آن چهار دریا شامل سینوس پرسیکوس یا خلیج فارس، سینوس عربیکوس یا دریای عرب و یا بحر احمر و دریای متوسط و دریای غرب که همان دریای مدیترانه بود. با مطالعه در قرآن کریم هم می‌بینیم درباره دو دریا که خداوند متعال آن‌ها را به همدیگر نزدیک می‌کند صحبت شده است به گونه‌ای که اتصال این دو دریا باعث برتری یکی بر دیگری نشد. بسیاری از مفسران عرب بر این اعتقادند که منظور قرآن کریم از دو دریا همان بحر فارس و بحر عرب است. به این ترتیب در تاریخ مطالعات اسلامی به شواهد متعددی درباره خلیج فارس برمی‌خوریم و همین‌ها مستندات مهمی به‌شمار می‌آید. در کتاب «صورت‌الارض» که متعلق به قرن سوم هجری است، یک فصل کامل درباره البحر الفارسی داریم. در این کتاب مراکز مختلف و مهم خلیج فارس نام برده می‌شود و جالب این‌که با دلایل می‌گوید چرا بحر فارس داریم. در آن موقع که این کتاب تألیف شد، ایران جزو خلافت فارسی بود.

خلیج فارس از ابتدای پیدایش همواره در داخل خاک ایران قرار داشت به این معنا که هم شمال و هم جنوب خلیج فارس جزو مملکت ایران بوده است.

برخلاف تصویری که امروز مطرح شده، جنوب خلیج فارس همیشه ساکنانش از اعراب بودند. ما اگر به مطالعات انجام‌شده در بین اعراب توجه کنیم، نظیر کتاب‌هایی که در کشور عمان تهیه شده است، در این کتاب‌ها به ریشه مشترک ملت عمان با مردم ایران اشاره شده است. در برخی از این کتاب‌ها ساکنان شمال خلیج فارس در اویدیان یا ایرانیان خوانده شده‌اند، البته مهاجرت اعراب به حوزه جنوب خلیج فارس از قرن دوم میلادی آغاز شد. در تاریخ مسعودی اولین جایی که اعراب در منطقه جنوب خلیج فارس ساکن شدند از بحرین یاد شده است. در این کتاب زمان مهاجرت قرن اول میلادی ذکر شده است. در نوشته‌های ایرانی می‌بینیم که اولین لشکرکشی به منطقه جنوب خلیج فارس از سوی اردشیر بابکان انجام گرفت. لشکرکشی بعدی را شاپور ذوالاکتاف انجام داد. در این جا یادآوری می‌کنم که در برخی کتاب‌ها شاپور ذوالاکتاف را

به عنوان فردی که شانه‌های اعراب را سوراخ می‌کرد و از آن طناب عبور می‌داد یاد کرده‌اند، در حالی که سؤال این است چگونه فردی که دو شانه او سوراخ شده و از آن طناب عبور کرده می‌تواند با وجود خون‌ریزی شدید زنده باشد. واقعیت این است که شاپور ذوالاکتاف فردی بوده که شانه‌های پهن داشت و بسیار قوی هیکل بود. متأسفانه تعدادی از اعراب گرفتار همین توطئه پلید هستند، البته همه اعراب درگیر این مسأله نیستند چنان‌که دانشمندان عرب زیر بار این حرف نرفته‌اند. اخیراً در مطالعات خودم با این مطلب مواجه شدم در کتابی با عنوان «تطور الاعلاقات مصری الایرانیه» که از سوی موسسه سیاسی استراتژیک الاهرام مصر چاپ شده در صفحه ۱۹۰ این کتاب به قلم پروفیسور نعم سعید آمده است «به صراحت تمام می‌گویم هیچ مدرکی ندیدم که بتوان نام خلیج فارس را در آن تغییر داد. در تمام نقشه‌ها و حتی سخنرانی‌ها و نیز بیانات جمال عبدالناصر از خلیج فارس صحبت شده است. اگر تغییر نام خلیج فارس باعث کدورت است چرا به حقیقت اعتراف نکنیم که مقصر هستیم.»

روزنامه «السیاسه» چاپ کویت دو سال پیش نوشته بود «که این حماقت ما بوده که نام خلیج عربی، روابط متحده ایران و اعراب را به هم ریخت و این در حالی است که دانشمندان واقعی عرب زیر بار این توطئه نرفتند و بعد از سقوط رژیم بعثی صدام امیدواریم این توطئه در قبر خودش دفن شود.»

مطلبی که این‌جا مطرح است این است که چه کسی سعی کرده نام خلیج فارس را تغییر دهد. در قرن ۱۹

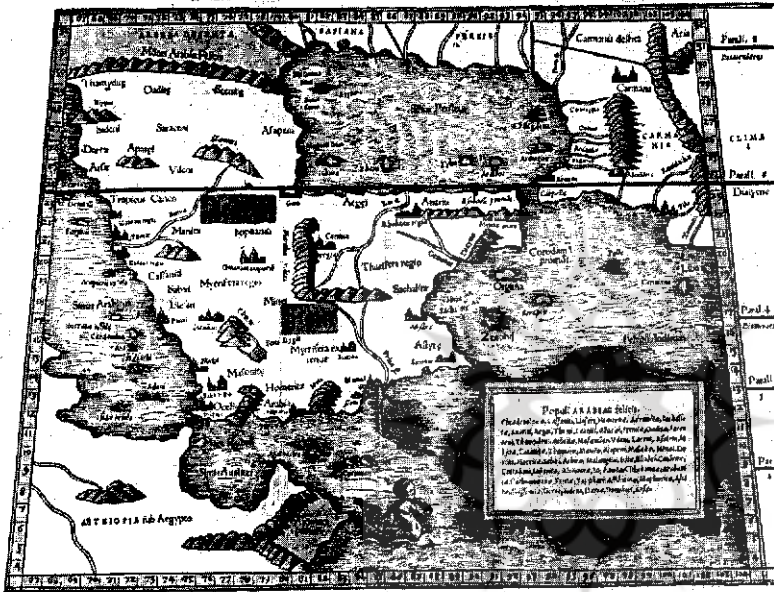


«بحر فارس» در بخش مفصل نقشه جهان الکندی که نقشه کامل آن در صفحه داخل جلد چاپ شده است.

می‌کنم که قطر و ابوظبی شیخ‌نشین‌های غیرایرانی هستند ولی بقیه همه رگ و ریشه ایرانی دارند چنان‌که وقتی انگلیسی‌ها وارد بحرین شدند، شیوخ بحرین نامه‌ای به ناصرالدین شاه نوشتند و گفتند که به داد ما برسید. این جانب در مذاکراتی که با شیخ سابق دبی داشتم بسیار با احساس محبت و لطف و لذت از ایران و ایرانیان صحبت می‌کرد. در هر حال قراردادهای تحت‌الحمایگی در سال ۱۸۲۰ قرارداد جدید تحت‌الحمایگی با کویت در سال ۱۸۹۹ امضا کرد. با هر بار امضای قرارداد

میلادی بریتانیا به خلیج فارس آمد. این آمدن از اواسط قرن ۱۶ میلادی آغاز شده بود. در واقع بریتانیا آخرین قدرت و بدترین قدرت دریایی بود. هر چند که درباره دلآوری‌های ایرانیان در مقابل استعمارگران غربی مطالب زیادی نوشته شده است اما بریتانیا نیز برای حضورش در خلیج فارس بهانه‌ای فراهم کرد. این بهانه‌ها همواره برای دخالت در امور کشورهای ضعیف از سوی کشورهای قوی مطرح می‌شود چنان‌که امروز هم به بهانه دموکراسی در امور کشورها دخالت می‌کنند. بهانه انگلیس برای

۶۰ TABVLA ASIAE VI ۶۰



نقشه آسیا (قطعه ششم)
از اطلس بطلمیوس اثر
سیاستیان مونستر
(۱۴۸۹ - ۱۵۵۲م)

تحت‌الحمایگی کشور انگلیس تلاش می‌کرد به نوعی ساکنان ایرانی جنوب خلیج فارس را عرب جلوه دهد و در واقع در جهت عربیزه کردن ایرانی‌ها حرکت می‌کرد. انگلیسی‌ها تنها به حوزه جنوبی خلیج فارس اکتفا نکردند، بلکه در خوزستان نیز با تحریک شیخ خزعل تلاش کردند خوزستان را هم عربی کنند. تحریکات مشابهی نیز در بندرعباس و بندر لنگه نیز انجام گرفت، در واقع همه دشمنان ایران در منطقه خلیج فارس مورد حمایت انگلیس بودند. در واقع هدف انگلیس دی‌ایرانیزه کردن خلیج فارس و زدودن ایرانی و ایرانیت از این منطقه بود. در سال ۱۹۳۵ میلادی نماینده سیاسی انگلستان در خلیج فارس رسماً پرونده‌ای را برای تغییر نام خلیج فارس تشکیل داد. در واقع خلیج فارس دست‌پرونده فردی انگلیسی به نام سرپرسی کاک بود. وی همواره درصدد درست کردن درگیری‌های مختلف برای رضاشاه بوده. با وقوع کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ که منجر به قتل عام وحشتناک پادشاه عراق و خانواده او گردید،

حضور در خلیج فارس مبارزه با قساقاق و دزدی دریایی بود. جالب آنکه بیش‌تر دزد‌های دریایی در خلیج فارس اتباع کشورهای اروپایی بود. انگلیسی‌ها وقتی آمدند اول شیوخ القاسمی را که در رأس‌الخیمه هستند دزد دریایی معرفی کردند. البته در آن موقع شیوخ القاسمی قبیله بزرگی را تشکیل می‌دادند که کشتی‌های زیادی داشتند و کارهای تجاری انجام می‌دادند. دکتر سلطان شیخ رأس‌الخیمه با نوشتن کتابی اعلام کرد که انگلیسی‌ها دروغ می‌گویند. وی در این کتاب به دلایل تهاجم انگلیس به خلیج فارس پرداخته است. البته امروزه نیز آمریکا و انگلیس به بهانه‌های مختلف در منطقه خلیج فارس حضور یافته‌اند. در هر حال در سال ۱۸۱۹ که رأس‌الخیمه‌ای‌ها از انگلیسی‌ها شکست خوردند قبایلی که در آن موقع تحت حمایت ایران بودند در سال ۱۸۲۰ قرارداد تحت‌الحمایگی با انگلیس‌ها را امضا کردند و در واقع با تشکیل امارات متصلحه، شیخ‌نشین‌های تحت‌الحمایه را از ایران جدا کردند. در این‌جا خاطر نشان

بالاخره بساط حزب بعث عراق را به راه انداختند و این حزب با دو جنگ کُلّ خاورمیانه را تحویل آمریکا و انگلیس داد.

جنگ ایران و عراق و جنگ کویت و عراق محصول عملکرد خائنانه حزب بعث بود و زمانی که در سال ۱۹۶۸ کودتای حزب بعث انجام گرفت و با روی کار آمدن حسن البکر و بالاخره صدام حسین حزب بعث در جهت علنی نمودن دشمنی با ایران برآمد. شاید بتوان گفت یکی از دلایل کودتای حزب بعث پیمان بغداد و سعدآباد بود که بتوان با این کودتا اتحاد کشورهای منطقه را به تفرقه تبدیل کرد. البته نباید ناگفته گذاشت که ایده حسن البکر، حُسن همجواری با ایران بود اما صدام موقتی که روی کار آمد برعکس حسن البکر حرکت کرد. متأسفانه شیوخ حقیری چون شیخ قطر نیز به طرفداری از صدام برخاستند و امروز نیز با وجود سقوط صدام اقدامات ضدایرانی از سوی شیخ قطر پی‌گیری می‌شود. ادعا نسبت به خوزستان، نسبت به خلیج فارس و نسبت به جزایر ایرانی تنها بخشی از مطالبات ناحق شیوخ قطر و ابوظبی است و این شیوخ همواره جزایر ایرانی را جزایر اشغالی می‌نامند. البته این ادعاهای کذب از نظر حقوقی قابل تعقیب است، چنان‌که ایرانی‌های مقیم آمریکا این ادعاها را در محافل حقوقی مورد پی‌گیری قرار دادند و بالاخره آن مراکز که با پول شیخ‌های قطر و ابوظبی به دنبال گسترش توطئه‌چینی بودند حساب کار خودشان را کردند. چنان‌که در آمریکا نیز مؤسسه نشنال ژئوگرافیک نیز به همین سرنوشت دچار شد. البته نباید انصاف را کنار گذاشت در اوج دیکتاتوری رژیم بعثی صدام دانشگاه بغداد با چاپ نقشه‌ای از نام خلیج فارس استفاده کرد و به این ترتیب عالمان عرب نشان دادند که توجهی به توطئه‌های سیاسی ندارند. واقعیت توطئه سیاسی برای خلیج فارس این است که در پس پرده این توطئه، اقدامات بعدی نیز نهفته است از جمله جدا کردن جزایر ایرانی با حمایت اتحادیه اروپا و از راه‌های غیرقانونی. اگر به مسأله موجی که علیه ایران در ارتباط با انرژی اتمی راه انداخته‌اند دقت کنیم متوجه می‌شویم همزمان با خبرسازی‌های بی‌مورد در ارتباط با انرژی اتمی اقدامات توطئه‌گرانه در بندر لنگه، بوشهر، جزیره سَری و خوزستان در حال پی‌گیری بود. در این جا این مطلب را نیز اشاره می‌کنم که جزیره سَری که معنای آن راز است به این دلیل نام‌گذاری شده که به هنگام ابر این جزیره از دیدها پنهان می‌شد و در واقع این جزیره نامش در قدیم «راز» بود و عرب‌ها این راز را سَری خواندند و در نقشه‌های انگلیسی هم انگلیسی‌ها تلاش می‌کردند تمامی اسامی هندی و فارسی را عربی تلفظ کنند. بنابراین تأکید می‌کنم که این توطئه‌ها ریشه عمیقی دارند. چنان‌که برخی

که خودشان را ایرانی معرفی می‌کردند در خدمت آمریکا و اسرائیل درآمدند و قبل از آن هم با صدام حسین دست بیعت داده بودند و شط‌العرب را به صدام حسین بخشیدند و همین‌ها نیز در نشنال ژئوگرافیک مقاله نوشتند که تغییر یک نام چه اهمیتی دارد؟

خوشبختانه گروه‌های متعددی از ایرانیان جوان برای حمایت از خلیج فارس تلاش می‌کنند، زیرا آن‌ها می‌دانند هدف از توطئه‌ها تجزیه ایران است و لذا باید هوشیار باشیم که استقلال و تمامیت ارضی کشورمان در معرض تهدید است.

در سازمان ملل متحد هم نام خلیج فارس مورد توجه قرار گرفته است. در این سازمان کمیسیون عهده‌دار بررسی و تلاش برای وحدت اسامی جغرافیایی است. کمیسیون مزبور در چهل سال گذشته همواره نام خلیج فارس را مورد تأکید قرار داده است. جالب این‌جاست که در یکی از این کمیسیون‌ها در سال ۱۹۷۲ دولت اسرائیل پیشنهاد کرد که نام خلیج عقبه به ایلات تغییر کند. وقتی این پیشنهاد اسرائیل را مطرح شد، نماینده‌های عرب کم مانده بود آن کمیسیون را منفجر کنند و می‌گفتند این نژادپرستی است. البته کشورهای مصر و اسرائیل همواره نام خلیج فارس را مورد تأکید قرار داده‌اند و ما باید با حواس جمع به این مسأله توجه داشته باشیم که تغییر نام خلیج فارس مسأله دولتی در دولت‌های عرب نیست. از سوی دیگر اسامی جغرافیایی برای این به وجود نیامده‌اند که تغییر باید و با اسامی جغرافیایی به خاطر نفرت به‌وجود نیامده‌اند که به خاطر نفرت تغییر کنند و مسأله تغییر نام خلیج فارس ریشه در توطئه‌های اتحادیه اروپا و اقدامات صدام و شیخ ابوظبی و شیخ قطر دارد.

در پایان خاطر نشان می‌سازم که نمی‌توان تاریخ را تغییر داد. آن‌چه که در کتیبه داریوش در نزدیکی ترعه سوئز آمده، آن‌چه که در نقشه‌های عهد باستان آمده همگی بر نام خلیج فارس تأکید کرده‌اند اما با تمام این احوال باید مراقب توطئه‌گران بود و از آن‌ها نباید غفلت کرد.



خلیج فارس

در نقشه های جغرافیایی

مسجد رضا محراب



تصویر ۱: سینوس پرسیکوس
(از اطلس بطلیموس تر
مارتین والدزمولز (۱۵۱۵م.)

